

اضافه می‌کنم چرا نباشد؟ فرم‌های تازه، کارهای تازه بدید می‌آورد نه اجراهای کلاسیک که جان می‌دهند تماشاگر با لباس رسمی و اودکلن زده وارد تالار شود. قبول ندارید؟

■ ■ ■

دو: تق صبر یعنی جدا از هم، و نه باهم. وقتی قرار است تئاتر شروع شود آکسسوار روی صحنه قرار دارند و می‌بینیم که آن‌ها را جمع می‌کنند، از همان آغاز انگار قرار است تماشاگر شوکه شود، و چرا شوکه شود؟ به هر حال وقتی به آن آکسسوار نیازی نباشد چرا باید آن‌ها را روی صحنه ببینیم. کاری که آیش می‌کند این است که از همان ابتدا



۳۲ دقیقه از ماجرا: تماشای یک ابدیت ساکن

زواید را حذف می‌کند. قصد اصلی آیش این است که یک فرم تازه را به کار بگیرد و با به کارگیری آن فرم تازه یک قصه کهنه و البته عامه‌پسند را روایت می‌کند. مسئله هم همین است. هیچ چیز تازه‌ای را نمی‌توان در جهان یافت (دور و بر خودمان که سهل است) با این حساب جز انتخاب فرم‌های تازه چه چیزی برای ما می‌ماند؟

سه: «فرهاد آیش» در گفت‌وگویی (گفت‌وگوی روزبه حسینی با آیش / همشهری / ۲۸ خرداد ۷۹) در مورد کارش می‌گوید: «فکر می‌کنم بزرگترین احترامی که یک تئاتری می‌تواند به مخاطب خود بگذارد این است که حرف خود را در کوتاهترین زمان ممکن به او انتقال دهد. حالا این زمان کوتاه ممکن است یک دقیقه و سی ثانیه باشد، ممکن است سه ساعت باشد و این بستگی دارد به موضوع و سوژه مورد نظر کارگردان». آنچه من به عنوان یک تماشاگر عادی از حرف آقای آیش می‌فهمم این است که اگر «تق صبر» به مذاق من تماشاگر خوش می‌آید و «۳۲ دقیقه از ماجرا» چنگی به دلم نمی‌زند، نباید خودم را آزار بدهم. مسئله این است که کارگردان این تصمیم را گرفته و من چرا باید حق اعتراض داشته باشم؟ ←

# اقتدار و ابدیت

## چرا؟

## ساکن

محسن آزرم

رفته می‌شود، این بار هم تئاتری مثل همان تئاترها روی صحنه برود (و به عبارت دیگر چه نیازی هست که تماشاگر چیزی را بپسندد؟! صورت

تابستان که از راه می‌رسد، چیزهای زیادی را همراهش می‌آورد، مثلاً گرما، مثلاً تشنگی و مهم‌تر از همه بی‌حوصلگی تابستان که از راه می‌رسد ترس برم می‌دارد که نکند در تالارهای تئاتر دوام نیاورم، که گرما و تشنگی امانم را ببرد و مجبور شوم دقایقی از تالار بروم، و مهم‌تر از آن نکند بی‌حوصله شوم و طاقت دیدن کارهای خوب را نداشته باشم؟

■ ■ ■

چه تفاوت می‌کند «فرهاد آیش» را می‌شناسم یا نه، به نظرم حتی این آشنایی اصلاً مهم نیست، چیزی که در این میان احتمالاً مهم است و باید به آن توجه کرد این است که ایشان چه کاره هستند، شک ندارم که فکر می‌کنید پرسش بیهوده‌ای است، بیهوده از این جهت که همه آن‌ها که گذرشان به تئاتر شهر افتاده باشد دیده‌اند که پوستری آن‌جا نصب شده که رویش نوشته‌اند: «تق صبر» و «۳۲ دقیقه از ماجرا» کاری از فرهاد آیش. شما هم این پوستر را دیده‌اید؟

■ ■ ■



تق صبر، آیش به دنبال یک فرم تازه است

فرم‌های تازه را امتحان کند و اصلاً از طریق همان فرم‌های تازه کاری را خلق کند، یادم است «مارتین اسکورسیزی» در گفت‌وگویی که «سایت اند ساند» هنگام نمایش «کوندون» با او انجام داد گفته بود: «همه چیز فرم است»، و من

یک: دیگر شک ندارم (و چرا باید شک داشته باشم) که آقای آیش اهل خطر هستند، خطر؟ چه خطری کار تئاتر در همه ممالک دو صورت اصلی دارد یکی این که مطابق سنت کلاسیک و روشی که دست کم هزاران سال است تئاتر روی صحنه